

سَلَامٌ عَلَيْهَا  
نور فاطمه زهرا



کتابخانه دیجیتال  
www.noorfatemah.org



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# پژوهشی درباره خمس و پاسخ به شبهات آن

نویسنده:

حسین رجبی

ناشر چاپی:

مشعر

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۶	پژوهشی درباره خمس و پاسخ به شبهات آن
۶	مشخصات کتاب
۶	مقدمه
۷	طرح شبهه
۷	چند پرسش از منکران خمس بردرآمد
۸	تبیین خمس از نظر قرآن و سنت
۱۰	خمس در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله
۱۱	خمس و حلیت آن
۱۲	زکات و خمس در اختیار چه کسانی قرار می گیرد؟
۱۴	گستره فعالیت فقها

## پژوهشی درباره خمس و پاسخ به شبهات آن

## مشخصات کتاب

سرشناسه: رجبی، حسین، ۱۳۳۷- عنوان و نام پدیدآور: پژوهشی درباره خمس و پاسخ به شبهات آن/حسین رجبی. مشخصات نشر: تهران: مشعر، ۱۳۸۶. مشخصات ظاهری: ۴۷ ص. شابک: ۲۵۰۰ ریال ۹۶۴-۹۷۸-۵۴۰-۰۸۱-۹ وضعیت فهرست نویسی: فیبا یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس. موضوع: خمس. موضوع: شیعه -- دفاعیه‌ها و ردیه‌ها. رده بندی کنگره: BP۱۸۸/۶/۳۰۴/۱۳۸۶ رده بندی دیویی: ۲۹۷/۳۵۶ شماره کتابشناسی ملی: ۱۱۷۷۶۵۱

## مقدمه

هر مسلمانی وظیفه دارد دینش را به طور عموم و دستورات و وظایف شرعی را به طور خصوص بشناسد و از آن به حد کافی آگاهی داشته باشد تا افزون بر صحت انجام آن، بتواند در برابر پرسش‌ها و شبهات مطرح شده پاسخ گو باشد. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «لو أتیت بشاب من شباب الشیعة لا یتفقّه فی الدین لا دبتّه»<sup>۱</sup> «اگر جوانی از جوانان شیعه را بینم که در پی شناخت و فهم دین خودش نمی‌باشد او را ادب می‌کردم». امام صادق علیه السلام با این سخن وظیفه همه ما را روشن نموده و هشدار می‌دهند که در برابر هجمه‌های تبلیغی که از جانب مخالفان مطرح می‌شود بیدار باشیم. روشن است که پژوهشی درباره خمس، ص: ۱۸ اگر دین و وظایف شرعی خود را بدون آگاهی و دلیل و استدلال انتخاب کنیم، در برابر پرسش‌ها و شبهات عاجز و ناتوان خواهیم بود. افزون بر این که تحت تأثیر تشکیک و تردید آنان قرار خواهیم گرفت. از این رو لازم است که دین و مذهب خود را با آگاهی کامل همراه با دلیل بشناسیم. در حال حاضر در وضعیتی قرار گرفته‌ایم که از راه‌های گوناگون، از جمله کتاب، جزوه، سایت، اینترنت درباره اصل دین و مذهب پرسش‌ها و شبهاتی را مطرح می‌کنند. گاه از جانب مسیحیت و یهودیت و مخالفان اسلام درباره دین مقدس اسلام و گاه از جانب وهابیان، که در سال‌های اخیر با چاپ جزوات و کتاب‌هایی که در اختیار مسلمانان به‌ویژه زائران خانه خدا و حرم پیامبر صلی الله علیه و آله قرار می‌دهند شبهاتی مطرح و به باورها و عقاید مسلمانان به‌ویژه شیعه اهانت می‌کنند. گرچه ما از طرح سؤال و پرسش استقبال می‌کنیم زیرا در طول تاریخ علمای شیعه در برابر چنین هجمه‌هایی قرار داشته و با منطق و سعه صدر بدون اهانت و فحاشی به پاسخ‌های مناسب پرداخته‌اند. نمونه کامل آن، کتاب گرانسنگ «الغدیر» است که توسط علامه امینی در چندین جلد تدوین شده است. هر عالمی حتی علمای وهابیت اگر منصفانه قضاوت و داوری نمایند با مطالعه این کتاب، حجت و دلیل تمام و راه عذر و بهانه برای آنان بسته می‌شود. پژوهشی درباره خمس، ص: ۹ روشن است که جوانان و زائران شیعه نیز به پیروی از علمای مذهب خود از طرح پرسش و اشکال استقبال می‌کنند و آن را مورد مطالعه و بررسی قرار می‌دهند و چنان‌چه خودشان توانایی پاسخ را داشته باشند پاسخ می‌دهند و اگر توانایی نداشته باشند بدون آن که تحت تأثیر شبهه‌افکنان قرار گیرند به جستجوی راه حل آن از طریق مطالعه یا مراجعه به علما و دانشمندان می‌پردازند. البته گاهی شبهه‌افکنان به جای پرسش علمی با طرح مباحث انحرافی مغالطه، دروغ و تهمت تلاش می‌کنند تا افکار مسلمانان و زائرین را تحت تأثیر القائات خود قرار دهند، در این صورت نیز بایستی هوشیار بود و نوشته‌های آنان را برای مخاطبان معرفی نمود تا از تأثیر پذیری مصون بمانند. یکی از نوشته‌هایی که توسط وهابیان نشر یافته است درباره خمس به ویژه خمس بر درآمد می‌باشد که با طرح برخی از سؤالات انحرافی و گاه با مغالطه تلاش می‌کنند به مخاطب القا کنند که خمس بر درآمد در بین شیعه دلیلی ندارد تا از این روش به هدفی که در پی آن هستند به زعم خودشان برسند. زیرا آنان دریافته‌اند که رشد و نگهداری شیعه در طول تاریخ به وسیله علما و فقهای سخت‌کوش و مجاهدی بوده که با زندگی ساده و با علم و تقوایی بسیار بالا با مشکلات و موانع مبارزه نموده و با

تکیه بر مالیات خمس که از جانب مردم پرداخت می‌شود مذهب را از همه پژوهشی درباره خمس، ص: ۱۰ انحرافات حفظ نموده‌اند، آن مذهبی که امروزه در دنیا منطقی‌ترین مذهب و دارای آموزه‌های ناب اسلامی می‌باشد به گونه‌ای که جهانیان را به خود جذب نموده است. در این نوشتار بر آن شدیم تا به اشکالاتی که درباره خمس توسط وهابیان مطرح گردیده است پاسخ دهیم. امید است که خدای بزرگ همه مسلمانان را در راه دست‌یابی به حق یاری فرماید.

## طرح شبهه

در کتابی که وهابیان سعودی آن را چاپ و توزیع کرده‌اند، در آن چند اشکال و شبهه وجود دارد که خلاصه‌ای از شبهات را ذکر و سپس به پاسخ آن می‌پردازیم: ۱. در قرآن و سنت خمس بر درآمد دلیل ندارد! ۲. فقهای شیعه خمس را بر درآمد واجب نمی‌دانند بلکه مستحب می‌دانند! ۳. به چه دلیل خمس را به فقها باید پرداخت نمود؟! ۴. در روایات آمده است که ائمه علیهم السلام پیروان خود را از خمس معاف کرده‌اند!

## چند پرسش از منکران خمس بر درآمد

پیش از تبیین و تحلیل مسأله خمس و مطالب مربوط به آن، چند نکته مهم را با عنوان پرسش، از نویسندگان پژوهشی درباره خمس، ص: ۱۲ وهابیان، که بر خمس اشکال کرده‌اند مطرح می‌کنیم تا زمینه بهتری برای پاسخ به اشکالات آنان آماده شود، زیرا اشکالاتی که بیان کرده‌اند بر خود آنان در مسأله زکات بر مال تجارت وارد می‌شود، در اینجا چند اشکال به صورت پرسش ذکر می‌کنیم. ۱. شما می‌گویید در رابطه با خمس بر درآمد، در قرآن و سنت دلیلی وجود ندارد. سؤال این است که همین مطلب را درباره زکات بر درآمدها و سود بر سرمایه‌های تجاری و غیر تجاری که شما آن را واجب می‌دانید مطرح می‌کنیم. شما به چه دلیل مردم را ملزم می‌کنید که باید زکات سرمایه‌های تجاری را پرداخت کنند؟ در کجای قرآن و سنت آمده است که زکات سرمایه‌های تجاری واجب است؟ در حالی که در روایاتی که خود وهابیت هم آن را پذیرفته‌اند آمده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله عشر و یک دهم گندم، جو، خرما و کشمش را واجب کرده است، چنان‌که ابن قدامه در کتاب المغنی دو روایت ذکر می‌کند. در روایتی به نقل از ابو موسی و معاذ آمده است که: «رسول خدا صلی الله علیه و آله ما را به یمن فرستاد و دستور فرمود که صدقه را جز از چهار چیز اخذ نکنید: گندم، جو، خرما و کشمش.» ابن قدامه که از علمای حنبلی مذهب می‌باشد و پژوهشی درباره خمس، ص: ۱۳ وهابیان از نظر فقهی مقلد احمد بن حنبل می‌باشند پس از نقل این روایات می‌گوید: «غیر هذا الأربعة لانص فیها ولا اجماع» غیر از این چهار چیز نه روایت داریم و نه اجماع و اتفاق علما را. «۱» پژوهشی درباره خمس، ص: ۱۵ هر پاسخی که شما از این اشکال بدهید همان پاسخ، در اشکال بر خمس بر درآمد نیز ذکر می‌شود. ۲. شما نوشته‌اید که دلیلی وجود ندارد خمس به فقها داده شود. سؤال ما این است که مدارس و حوزه‌های علمیه شما از زکات و یک دهم مال التجاره مردم اداره می‌شود. در کجای قرآن و سنت آمده است یک دهم مال به علما و حوزه‌های علمیه داده شود؟ پژوهشی درباره خمس، ص: ۱۶ (البته ما در پرداخت خمس به فقها دلیل داریم که در آینده آن را توضیح خواهیم داد). ۳. نوشته‌اید که فقهای شیعه خمس بر درآمد را واجب نمی‌دانند. این سخن دروغ است و به فقهای شیعه تهمت زده‌اید زیرا تمام علما خمس را حتی خمس بر درآمدها را واجب می‌دانند، بر فرض که برخی مستحب بدانند آیا انجام دادن مستحب ثواب ندارد؟ مگر شما به مستحبات مذهب خود عمل نمی‌کنید؟ افزون بر این، در مسائل فقهی، چون فقها و مجتهدین بر اساس اجتهاد فتوا می‌دهند، گاهی در برخی از مسائل اختلاف پیدا می‌کنند چنان‌که فقهای شما در موارد زکات و خمس اختلاف دارند و بعضی‌ها در یک چیز زکات را واجب می‌دانند و بعضی دیگر واجب نمی‌دانند آیا اگر برخی واجب ندانستند باید اصل زکات را زیر سؤال برد؟ آیا هر مسلمانی از هر مجتهدی که در احکام تقلید می‌کند نباید به

فتوای او عمل کند؟ اگر مجتهد مسأله‌ای را مستحب بدانند مقلدین او به او مراجعه می‌کنند و آن کس که واجب می‌داند مقلدین او نیز از او تبعیت می‌کنند. ۴. شیعه بر این عقیده است که فقهای جامع شرایط در عصر غیبت جانشین امام معصوم علیه السلام می‌باشند، پس همان گونه که در عصر پیامبر صلی الله علیه و آله خمس در اختیار ایشان بوده و در هر مورد که صلاح می‌دانستند هزینه می‌کردند، پس از آن پژوهشی درباره خمس، ص: ۱۷ حضرت به امامان از اهل بیت علیهم السلام اختصاص دارد و در دوران غیبت، وظایف و رسالت ائمه علیهم السلام به علما و فقها تعلق دارد. از این رو برای شیعیان، مسأله پرداخت سهم امام علیه السلام روشن است زیرا تمام شیعیان بویژه نسل جوان می‌دانند که حفظ، رشد و گسترش شیعه در طول تاریخ به وسیله فقها بوده و فقهای شیعه در برابر خلفای جور و ستم، دین را حفظ کرده و عزت و شوکت آن را تا عصر و نسل امروز نگه داشته و به ما منتقل کرده‌اند و اگر امروز، شیعه، جهان را به خود جذب نموده و در تمام ابعاد پاسخ گوی نیازهای جامعه است، به وسیله فقهای بزرگی مانند امام خمینی، علامه طباطبایی، شهید مطهری، شهید صدر و صدها فقیه دیگر بوده است که همه اینها در حوزه‌هایی تربیت شده‌اند که به وسیله مردم اداره می‌شود نه سلاطین و حاکمان جور. اما علمای وهابیون مسأله اخذ مالیات از مردم را چگونه پاسخ می‌دهند در صورتی که هر حاکمی را ولی امر خود می‌دانند و از حاکمان خود هر چند ظالم و ستمگر باشد نیز اطاعت و پیروی می‌کنند، از آنان پول می‌گیرند و هرگز حاضر نیستند به واسطه انجام منکرات و ترویج آن در جامعه و ارتکاب ظلم و ستم بر مردم بر علیه آنان سخن بگویند!! پس از بیان چند پرسش از منکران خمس بر درآمد به عنوان جواب نقضی و این که خودتان در اشکالاتی که بر خمس بردرآمد دارید در زکات با آن روبرو شده پژوهشی درباره خمس، ص: ۱۸ و خود شما را در برمی‌گیرد و هر پاسخی که بدهید همان پاسخ در اشکال بر خمس داده می‌شود. اکنون به پاسخ حلّی و تبیینی می‌پردازیم به این معنا که هیچ کدام از اشکالات چهارگانه درباره خمس بردرآمد وارد نیست بلکه به هر یک از این اشکالات پاسخ‌های مناسبی داده شده است که به آن می‌پردازیم.

### تبیین خمس از نظر قرآن و سنت

در اسلام دو نوع انفاق وجود دارد: مستحب و واجب. انفاق مستحب حد و اندازه خاصی ندارد بلکه آنچه برای انسان امکان داشته باشد هر چند به اندازه یک دانه خرما، از ارزش و اهمیت بالایی برخوردار می‌باشد که در این باره آیات و روایات فراوانی وجود دارد. اما انفاق واجب که در قرآن از آن با عنوان زکات و خمس یاد شده است، دارای شرایط خاصی است هر چند در قرآن به آن شرایط اشاره نشده است و به صورت کلی در پرداخت آن توصیه فرموده است ولیکن در روایات به طور مفصل به خصوصیات و شرایط زکات و خمس اشاره شده است. پیش از پرداختن به این بحث ابتدا به تعریف زکات و خمس اشاره می‌کنیم: زکات و خمس عبارت است از حق مالی که خداوند بر اموال خاصی واجب کرده است تا مالک آن را پرداخت نماید. البته مصرف هر یک از زکات و خمس متفاوت پژوهشی درباره خمس، ص: ۱۹ می‌باشد زیرا زکات و صدقه بر بنی هاشم (سادات) حرام می‌باشد. از این رو در قبال حرمت زکات بر آنان خداوند خمس را قرار داده است. بدین جهت در روایات فلسفه خمس را حرمت صدقه بر بنی هاشم (سادات) یاد کرده است. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «خدایی که جز او خدایی نیست وقتی صدقه را بر ما حرام کرد حکم خمس را نازل فرمود تا در قبال حرمت صدقه بر ما خمس حلال باشد.» «۱» قرآن کریم درباره خمس می‌فرماید: «وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَ لِلرَّسُولِ وَ لِأَيِّ الْقُرْبَىٰ وَ الْأَيْتَامِ وَ الْمَسْكِينِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ ...» «۲» «بدانید هر گونه غنیمتی به دست آورید خمس آن برای خدا و برای پیامبر و برای نزدیکان و یتیمان و مسکینان و واماندگان در راه، از بنی هاشم می‌باشد.» در این آیه به صراحت می‌فرماید: آنچه از اموال به صورت غنیمت به دست آوردید یک پنجم آن را برای خدا و رسول و نزدیکان آن حضرت اختصاص دهید. سخن در این است که آیا غنیمت اختصاص به غنایم جنگی دارد یا هر چیزی که انسان به دست آورد بر



آن غنیمت صدق می‌کند. چرا که شیوه قرآن به گونه‌ای است که اصول کلی احکام، عقاید و اخلاق را بیان می‌فرماید و به پژوهشی درباره خمس، ص: ۲۰ جزئیات نمی‌پردازد نمونه بارز آن مسأله نماز و حج می‌باشد که تعداد رکعت‌ها و کیفیت خواندن و انجام دادن حج بیان نشده است، از این رو در فهم قرآن و دستورات آن تنها قرآن کافی نیست بلکه وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ضروری می‌باشد تا با تفسیر قرآن، جزئیات احکام و عقاید را در رفتار و گفتار خویش برای امت تبیین فرماید، که از آن به سنت یاد می‌شود. بدین جهت در آیات خمس و زکات نوع مالی که زکات و خمس به آن تعلق می‌گیرد و همچنین شرایط و خصوصیات بیان نشده است. پس اگر درباره هر مسأله جزئی بخواهیم به قرآن مراجعه کنیم اگر آن را در قرآن نیافتیم به آن باور نداشته باشیم، صحیح نمی‌باشد زیرا بسیاری از مسائل احکام و اعتقادات دینی در قرآن به صراحت از آن یاد نشده است. از این رو برای دست‌یابی به عقاید و احکام صحیح اسلام بایستی به سنت صحیح و مورد اطمینان مراجعه کنیم. در آیه‌ای که مربوط به خمس است سه چیز را بیان و مشخص فرموده است: ۱. خمس در اموال به غنیمت گرفته شده. ۲. اندازه انفاق واجب در غنایم، یک پنجم می‌باشد. ۳. کسانی که خمس به آنان پرداخت می‌شود. ولی مطلبی که در آیه به صورت مجمل آمده معنای غنیمت پژوهشی درباره خمس، ص: ۲۱ است از این رو یکی از بحث‌هایی که در آیه وجود دارد این است که مقصود از غنایم چیست؟ آیا منحصر در غنایم جنگی است یا مجموع غنیمت‌هایی که از نظر عرف و لغت به آن غنیمت گفته می‌شود، و در بر می‌گیرد؟ در پاسخ به این سؤال باید به سنت مراجعه شود و با مراجعه به سنت روشن می‌گردد که خمس فقط در غنایم جنگی نیست بلکه غیر آن را در بر می‌گیرد. البته با اختلافاتی که در مذاهب اسلامی در این زمینه به چشم می‌خورد دایره آن محدود یا گسترده می‌شود. برخی دایره خمس را در هر نوع غنیمتی که از نظر عرف و لغت به آن غنیمت گفته می‌شود، گسترش می‌دهند، که این نظریه شیعه است و برخی دیگر دایره را محدود به غنایم جنگی و رکاز (گنج‌های یافت شده) می‌دانند و این نظریه اهل سنت است. «۱» پژوهشی درباره خمس، ص: ۲۲ از آنجا که این گونه مباحث فقهی جایگاه اجتهاد فقهای مذاهب می‌باشد بایستی در ارائه نظر مذاهب، دیدگاه‌های بزرگان آنان را مورد توجه قرار داد. با توجه به این که در قرآن مفهوم غنیمت به روشنی بیان نشده لازم است به لغت و عرف و سپس به روایات مراجعه کنیم تا جزئیات مسأله روشن شود. در لغت: با مراجعه به کتاب‌های لغوی اصیل، مفهوم غنیمت به خوبی روشن می‌شود، زیرا از نظر لغویون غنیمت بر هر مالی و سرمایه‌ای که انسان به دست می‌آورد، خواه از راه گنج، معادن، غنایم جنگی و خواه از غیر آن باشد، اطلاق می‌شود. راغب اصفهانی می‌نویسد: «عَنْمٌ وَ عُنْمٌ: به معنای دست‌یابی و رسیدن به چیزی است، در هر چیزی که انسان پژوهشی درباره خمس، ص: ۲۳ به آن دست پیدا کند خواه از طریق جنگ یا غیر جنگ باشد: «وَ اعْلَمُوا أَنَّما عَنِتُّمْ مِنْ شَيْءٍ...»، «فَكُلُوا مِمَّا عَنِتُّمْ...»، «فَعِنْدَ اللَّهِ مَغَانِمٌ كَثِيرَةٌ...»، «۱» ابن منظور می‌گوید: عُنْمٌ: دست‌یابی به چیزی بدون مشقت و سختی است. ابن فارس: غنم اصل صحیح واحد یدل علی افاده شی لم یملک من قبل ثم یختص بما أخذ من المشرکین. «۲» ابن فارس این واژه را به معنای دست‌یافتن به چیزی دانسته که قبلاً مالک آن نبوده سپس اختصاص به چیزی یافته که از مشرکین گرفته می‌شود. خلیل که از بزرگان اهل لغت است می‌گوید: هر چه انسان بی‌مشقت به دست آورد غنیمت به حساب می‌آید. «۳» گفتار لغویون دلالت می‌کند لفظ غنم و غنیمت اختصاص به چیزهایی ندارد که در جنگ بدست می‌آید بلکه معنای آن گسترده‌تر از آن است گرچه در زمان نزول به خاطر غنایم جنگ در غنایم جنگی بکار برده شده است. از این رو هر چیزی را که انسان به دست آورد و فایده و سود بر آن صدق کند غنیمت به شمار می‌آید. در قرآن نیز واژه «مغنم» را در موردی به کار برده شده پژوهشی درباره خمس، ص: ۲۴ که انسان چیزی را به دست می‌آورد، هر چند از راه غیر جنگ باشد. در آیه «فَعِنْدَ اللَّهِ مَغَانِمٌ كَثِيرَةٌ» «۱» مقصود از این مغنم بسیار، به دلیل آن که در مقابل کالای زندگی دنیا آمده پاداش آخرت است. بر اساس این آیه «مغنم» حتی به آنچه انسان در این دنیا یا میدان‌های جنگ به دست می‌آورد اختصاص ندارد بلکه هر دستاوردی را گرچه اخروی باشد شامل می‌شود. در روایاتی که کلمه مغنم و غنیمت و غنم به کار رفته، حضرت رسول صلی الله علیه و آله آنها را در معنای بهشت، آثار و

برکت‌های ماه رمضان به کار برده است. در نهایت ابن اثیر آمده است: روزه در زمستان، غنیمت سرد و خنک است و روزه را به خاطر پاداش آن غنیمت به حساب آورده است. «۲» قرطبی از مفسران اهل سنت از آیه: «واعلموا أن ما غنمتم» استفاده عموم فایده و ربح کرده است و می‌گوید: به خاطر اجماع اختصاص به غنایم جنگی پیدا کرده است. در روایاتی که از طریق اهل بیت علیهم السلام وارد شده، خمس بر درآمدهای مالی که خارج از نیازهای سالانه افراد می‌باشد، واجب شده است. زیرا بر آنها غنیمت صدق می‌کند گرچه آیه خمس درباره غنایم جنگی وارد شده پژوهشی درباره خمس، ص: ۲۵ است، چنان که مفسرین گفته‌اند: این آیه در روز بدر و رویارویی دو گروه مسلمان و کافر نازل شده است. ولیکن این مسأله ثابت شده است که هر آیه‌ای که در موردی نازل شده است نمی‌توان آن را اختصاص به همان مورد نزول داد بلکه واژه غنیمت عمومیت دارد و یکی از موارد آن غنایم جنگی می‌باشد. وقتی دانستیم که در آغاز تشریح خمس در مورد غنایم جنگی و گنج و طلای مدفون شده واجب شده در مرتبه بعدی به خاطر اطلاق مفهوم آیه می‌توان بر هر فایده و غنیمتی که به دست انسان می‌آید آن را مصداق آیه دانست. دلیل بر این مطلب افزون بر معنای لغوی غنیمت، روایاتی است که از طریق اهل بیت علیهم السلام وارد شده است در اینجا به یک روایت اشاره می‌نمایم. سماعه می‌گوید: از امام کاظم علیه السلام درباره خمس پرسیدم فرمود: هر چه که مردم به دست آورند کم یا زیاد خمس دارد. «۱» امام هادی علیه السلام نیز در پاسخ یکی از یارانشان فرمود: خمس واجب است گفتم در چه چیز؟ فرمود: در کالا- و وسایلشان. گفتم: آن که تجارت می‌کند یا چیزی را با دستش می‌سازد چه؟ فرمود: اگر بتوانند پس از هزینه‌ها و نیازهایشان پرداخت کنند. «۲» پژوهشی درباره خمس، ص: ۲۶ از روایات اهل سنت نیز استفاده می‌شود که خمس منحصر در غنایم جنگی نیست. ابن عباس روایت کرده است که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: در رکاز خمس است «۱» مردی از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله سؤال‌هایی کرد از جمله این که در خرابه‌ها گنج می‌یابیم حضرت فرمود در آنها خمس است. «۲» گروهی از عبد قیس، حضور پیامبر خدا صلی الله علیه و آله آمدند و گفتند: مشرکان بین ما و شما هستند و جز در ماه‌های حرام دست‌رسی به شما نداریم به ما توصیه جامعی بفرمایید که اگر به آن عمل کنیم وارد بهشت شویم و دیگران را به آن فرا بخوانیم. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: شما را به چهار چیز دستور می‌دهم و از چهار چیز نهی می‌کنم. شما را فرمان می‌دهم به ایمان به خدا، آیا می‌دانید ایمان چیست؟ شهادت به یگانگی خدا، ادای نماز، پرداخت زکات و دادن خمس غنایم. «۳» روشن است که پیامبر صلی الله علیه و آله از فرزندان عبد قیس نخواستند غنایم جنگی را پردازند، چرا که آنان در غیر از ماه‌های حرام به خاطر ترس از مشرکین از قبیل خود نمی‌توانستند پژوهشی درباره خمس، ص: ۲۷ بیرون روند، افزون بر این که جنگ و جهادی نبوده که به وسیله عبد قیس انجام شود و حضرت دستور غنایم جنگی را صادر فرموده باشد؟ پس روایت ربطی به غنایم جنگی ندارد بلکه پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در کنار روزه و نماز و زکات، پرداخت خمس اموال را نیز قرار داده است.

### خمس در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله

در این جا اشکال شده است که اگر خمس در اموال مازاد بر سال را شامل شود چرا در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله وجود نداشته است و اگر چنین بود باید پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله مانند زکات دستور جمع‌آوری آن را صادر می‌فرمود. پاسخ روشن است، اولاً: احکام اسلامی به تدریج بیان شده است و طوری نبوده است که در یک سال تمام احکام یک دفعه تشریح شود گاهی برخی از احکام در عصر رسالت تشریح شده اما گستردگی آن محدود به آن زمان نبوده، از این رو در ابتدای نزول آیه خمس اصل آن بر هر غنیمتی تشریح شده اما اخذ خمس از جانب پیامبر صلی الله علیه و آله به خاطر مصالحی در اموال و درآمدها عملی نمی‌شده است. دلیل بر این مطلب وجود روایاتی است که پاره‌ای از احکام در زمان امام عصر علیه السلام زمینه عمل آن پدید می‌آید. ثانیاً: زکات با خمس تفاوت دارد زیرا مالک زکات فقرا هستند و یا این که باید در مصالح مسلمانان صرف بشود از این رو

رسول خدا وظیفه داشتند آن را اخذ کنند لذا در پژوهشی درباره خمس، ص: ۲۸ قرآن می‌فرماید: «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً» بدین جهت آن حضرت افرادی را مأمور جمع‌آوری زکات نمودند. اما خمس حقی است که منحصر است برای آن حضرت و نزدیکانش و مانند ملک شخصی آن حضرت می‌ماند. نه مانند زکات که از مسائل عمومی مسلمانان است. از این رو پیامبر صلی الله علیه و آله دستور جمع‌آوری آن را صادر نفرموده‌اند بلکه تنها به تبلیغ آن پرداختند. چنان‌که مقام و موقعیت آن حضرت همین را اقتضا می‌کرد. پس اگر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله افرادی را برای جمع‌آوری مأمور نمی‌کردند دلیل بر واجب نبودن آن نیست. ثالثاً: مواردی وجود داشته که خمس بر آن واجب شده اما حضرت کسی را برای جمع‌آوری نفرستاده‌اند. مانند: رکاز و گنجینه‌هایی که به وسیله مسلمانان به دست می‌آمده است. رابعاً: از نظر شیعه و اهل سنت ثابت است که زکات بر بنی‌هاشم (سادات) حرام است و در برخی روایات آمده است که خداوند در برابر زکات، خمس را برای بنی‌هاشم و اکرام آنان قرار داده بنابراین اگر خمس را منحصر در غنایم جنگی بدانیم درباره اکرام بنی‌هاشم با مشکلاتی روبرو خواهیم شد، زیرا جنگ در همه زمان‌ها به خاطر تسلط کفار یا به خاطر گسترش اسلام وجود ندارد. از این رو فقرای بنی‌هاشم چگونه زندگی خود را تأمین نمایند. پژوهشی درباره خمس، ص: ۲۹ بنابراین از راه فلسفه خمس می‌توانیم به دست بیاوریم که خمس باید در اموالی غیر از غنایم جنگی وجود داشته باشد. خامساً: در صحیح مسلم آمده است که فضل بن عباس و فرد دیگری از بنی‌هاشم نیاز به ازدواج پیدا کرده و نزد آنان چیزی وجود نداشت تا مهریه قرار دهند. نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آمده و از این وضعیت شکایت نمودند، و از آن حضرت درخواست کردند که ما را برای جمع‌آوری زکات بفرستید تا از سهمی که به ما می‌رسد برای مهریه استفاده کنیم. حضرت اجازه ندادند بلکه دستور فرمودند که برای مهریه خمس را بدل از زکات قرار دهند. «۱» بنابراین جمع‌آوری نکردن پیامبر صلی الله علیه و آله دلیل بر عدم وجوب نمی‌باشد از سوی دیگر شاید پیامبر صلی الله علیه و آله برای جمع‌آوری افرادی را فرستاده باشد ولی به جهاتی اخبار آن به ما نرسیده باشد، به ویژه در دوران حکومت‌های اموی و عباسی که حکومت اسلامی را به حکومت جاهلی تبدیل کردند و موجب شدند تا بسیاری از احکام اسلامی به فراموشی سپرده شود. چنان‌که در برخی روایات آمده است ابن حزم از ابن عباس روایت می‌کند: در بصره خطبه‌ای را ایراد نمودم و از زکات فطره سخن گفتم ولی مردم حکم آن را نمی‌دانستند پس وقتی حکم زکات فطره پژوهشی درباره خمس، ص: ۳۰ را که هر سال به آن عمل می‌کردند نمی‌شناختند درباره خمس، آن هم خمس بر درآمد چه آگاهی و شناختی داشتند، به ویژه که احکام خمس که حق پیامبر صلی الله علیه و آله و نزدیکان آن حضرت بوده و دست‌هایی که در طول تاریخ برای نابودی آثار اهل بیت علیهم السلام تلاش می‌کرده‌اند مسئله خمس را نیز که حق آنان بوده است از راه‌های گوناگون مانع رساندن این حکم به مردم می‌شدند، همان‌گونه که از نقل فضایل آنان جلوگیری می‌کردند از پرداخت خمسی که در برابر زکات برای آنان قرار داده شده بود جلوگیری می‌کردند. در این زمینه، روایات فراوانی وجود دارد که به علت طولانی شدن از ذکر آن خودداری می‌کنیم.

## خمس و حلیت آن

از آنچه گفتیم پاسخ سؤال دیگر نیز روشن می‌شود که اگر خمس بر درآمد واجب بود چرا برخی از ائمه اهل بیت علیهم السلام آنرا نسبت به پیروانشان حلال دانسته و از پرداخت خمس معاف کرده‌اند. پاسخ این است که اولاً: روایات تحلیل نمی‌گوید که خمس را نباید بدهید و بر شما واجب نیست بلکه مضمون روایات این است که خمس بر دو قسمت تقسیم می‌شود یک قسمت سهم امام و دیگری سهم سادات و نزدیکان پژوهشی درباره خمس، ص: ۳۱ پیغمبر. امامان اهل بیت علیهم السلام مانند پیامبر صلی الله علیه و آله سهم خود را به خاطر پاره‌ای از سختی‌ها و مشکلاتی که پیروانشان با آن روبرو بودند مباح و حلال شمردند، تا پیروانشان به گناه آلوده نشوند. لذا امام جواد علیه السلام در نامه‌ای چنین فرمودند: «من أعوزه شی من حقی فهو فی حلّ» «۱» «هر کس که در

تنگنای فقر و تهی دستی قرار گیرد حلال است که از حق من رفع نیاز کند.» این روایت دلالت دارد که، هر کس دچار سختی شده باشد اجازه تصرف در سهم امام به وی داده شده است. ثانیاً: برخی از روایات حلیت خمس، از نظر سند ضعیف است. و برخی دیگر از روایات حلیت در استفاده از اموال عمومی، مانند انفال و فیء که در اختیار امام می باشد دلالت دارد. ثالثاً: در دوران ائمه علیهم السلام رابطه پیروانشان با آنان بسیار دشوار بوده و گاه به خاطر محاصره اهل بیت علیهم السلام ارتباط شیعیان با آنان امکان پذیر نبوده است. بدین جهت آنان را از پرداخت خمس معاف می داشتند. رابعاً: مقام امامت به اندازه ای بلند و والاست که خداوند به آنان اموری را اجازه داده است. به طور نمونه در جنگ و صلح و همچنین غنایم جنگی و امثال آن آمده پژوهشی درباره خمس، ص: ۳۲ است که اگر جنگ بدون اجازه امام باشد تمام غنایم جنگی از امام است. و اگر با اجازه و با دستور امام باشد خمس آن برای امام می باشد. بنابراین در صورت نخست که تمام غنایم از آن امام است و در صورت دوم که خمس آن برای امام می باشد در هر دو صورت امام اختیار دارد تا در راهی که مصلحت می بیند هزینه نماید و در صورتی که خود مسلمانان و پیروانشان نیازمند باشند به آنان بیخشند و از آنان طلب نمایند چنان که درباره پیغمبر صلی الله علیه و آله نیز چنین بوده است که به آن اشاره کردیم و این است معنای حلیت خمس یا انفال و سرمایه های عمومی که حق امامان اهل بیت علیهم السلام بوده اند. خامساً: ائمه اهل بیت علیهم السلام به خاطر این که حکومت ها با آنان هماهنگی نداشته اند و حکومت در اختیار آنان نبوده و بر سرمایه های عمومی تسلط نداشتند و از سویی در محاصره دشمن قرار داشتند، از این رو، به پیروانشان اجازه دادند تا در آنها تصرف نمایند. اما برخی از احادیث مثل حدیث عمر بن یزید، که مسمع بن عبدالملک می گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: من در بحرین غواصی کرده، چهارصد هزار درهم به دست آورده ام، یک پنجم آن را که معادل هشتاد هزار درهم است، خدمت شما آورده ام و این حق شماست که خداوند در اموال ما قرار داده است. پژوهشی درباره خمس، ص: ۳۳ امام علیه السلام فرمود: مگر ما از زمین و آنچه از آن بیرون می آید، حقی جز خمس نداریم؟ تمام زمین و آنچه از زمین بیرون آید متعلق به ما است. عرض کردم: تمام مال خود را خدمت شما خواهم آورد. حضرت فرمود: ما پاکیزه و حلال گردانیدیم مالت را و هر زمینی که در دست شیعیان ماست، تا قیام قائم ما برای آنان حلال گردیده، وقتی او بیاید، مالیات و حق الاجاره را، که در دست آنان است می گیرد و زمین را در دستشان باقی می گذارد و اما زمین هایی که در دست غیر شیعیان است، استفاده از آن برایشان حرام است تا قائم ما بیاید و آن را از دستشان بگیرد ... «۱» این نوع احادیث ربطی به خمس سود تجارت و تحلیل آن ندارد، و ابوسیار هم گمان می کرد که تنها خمس تمام آنچه از ساحل دریا به دست آورده، مال امام علیه السلام است که امام فرمودند: نه، همه آنچه جزو انفال است، مال ما است و ما آن را حلال گردانیدیم. این خمس غیر از خمس پس انداز زاید بر مخارج سال است. به مقتضای این حدیث و ادله دیگر، انفال به خصوص اراضی بایر، در زمان غیبت بر شیعیان حلال گردیده و غیر پیروان اهل بیت که در انفال تصرف می کنند، ضامن و غاصب اند.

### زکات و خمس در اختیار چه کسانی قرار می گیرد؟

یکی از مهم ترین مباحث زکات و خمس این است که چه کسی می تواند امور مالی اسلام را در اختیار داشته باشد تا زیر نظر او هزینه شود؟ آیا چنین فردی لازم است یا هر کسی که زکات یا خمس بر او واجب است پرداخت نماید؟ قرآن کریم درباره تصرف زکات هشت گروه را بیان می کند: «إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسْكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَفِي الرِّقَابِ وَالْغَارِمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَابْنِ السَّبِيلِ» «۱» صدقات برای فقیران، مساکین، کارگران و جمع کنندگان صدقات، جذب کردن دل ها، آزادی بندگان، بدهکاران و مسافران در مانده. اما مصرف خمس: «وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسْكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ» «۲» در این آیه مصرف خمس را برای خدا، رسول خدا، ذوی القربی، و اهل بیت، یتیمان، مسکین ها،

درماندگان در سفر، بیان فرموده است. از این روش قسمت می‌شود: سه قسمت آن یعنی سهم خدا، رسول و ذوی القربی در اختیار پیامبر صلی الله علیه و آله است. مقصود از ذوی القربی بر اساس روایات شیعه و اهل سنت حضرت علی علیه السلام، حضرت فاطمه علیها السلام، امام حسن پژوهشی درباره خمس، ص: ۳۵ و امام حسین علیهما السلام می‌باشند. در زمان حضور پیامبر صلی الله علیه و آله سه قسمت مال پیامبر خدا می‌باشد زیرا آن حضرت از مقام نبوت، امامت و ولایت برخوردار می‌باشد. در زمان آن حضرت امامی جز او نیست، تا سهم خدا به او تعلق گیرد. زیرا بر اساس روایات آنچه سهم خدا می‌باشد برای ولی او خواهد بود. «۱» بنابراین پیامبر صلی الله علیه و آله صاحب اختیار است هر نوع تصرف را در این سه سهم داشته باشد. در روایات دیگر آمده است که امام رضا علیه السلام فرمود: آنچه از خمس برای خدا است، برای رسول خدا خواهد بود و آنچه برای رسول خدا است برای امام می‌باشد. «۲» از مجموع روایات استفاده می‌شود که سه قسمت از خمس در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله در اختیار ایشان است و سه سهم دیگر به یتیمان، مساکین و در سفرماندگان از بنی‌هاشم تعلق دارد، این سه سهم برای همیشه در طول تاریخ به این سه گروه تعلق دارد اما سه سهم پیامبر صلی الله علیه و آله پس از ارتحال آن حضرت در اختیار امام و ولی امر مسلمانان که از جانب ایشان مشخص شده قرار می‌گیرد. پژوهشی درباره خمس، ص: ۳۶ از دیدگاه شیعه جانشین پیامبر صلی الله علیه و آله حضرت علی علیه السلام و فرزندان ایشان علیهم السلام می‌باشند و پس از «ائمه اثنی عشر» به کسانی تعلق می‌گیرد که از جانب ائمه علیهم السلام به مردم معرفی شده‌اند و در عصر غیبت به عنوان حاکم شرع، شناخته شده‌اند، حاکم شرع جز مجتهدان جامع شرایط نیستند. بنابراین همان گونه که پیامبر اسلام سه قسمت از خمس را در اختیار داشت و در هر جا که مصلحت می‌دیدند مصرف می‌کردند جانشینان آن حضرت و علمای مجتهد نیز در راهی که مصلحت مسلمانان است مصرف می‌کنند. دلایلی که دلالت دارد بر این که، مالیات اسلامی زیر نظر علمای مجتهد قرار می‌گیرد، در اینجا به طور اختصار بیان می‌کنیم. ۱. دلیل عقلی: بدون تردید اسلام دین جامعی است که رسالت آن هدایت و راهنمایی انسان‌ها است و چنین رسالتی جز در پرتو امام و رهبری صحیح امکان عملی آن وجود ندارد. روشن است آن وظایفی که شأن مقام امامت و رهبری پیامبر صلی الله علیه و آله بوده است جز وظایف نبوت مثل وحی، بر عهده امام پس از ایشان می‌باشد تا بتواند با اختیارات کامل جامعه را در مسیر تعالی و تکامل قرار دهد. و پس از امام یعنی در عصر غیبت بهترین کسی که به اهداف اسلام و مقاصد آن آگاهی دارد و می‌تواند اسلام را در مسیر صحیح و دور از انحراف و بدعت محافظت کند فقها و مجتهدین پژوهشی درباره خمس، ص: ۳۷ می‌باشند. اگر رهبری جامعه در اختیار افراد ناآگاه و یا کم اطلاع از دین اسلام قرار گیرد به مرور زمان دین تضعیف شده و نابود می‌گردد. از این رو باید فقها برای دستیابی به اهداف بلند اسلامی از منابع مالی برخوردار باشند، چنان که ائمه و شخص پیامبر صلی الله علیه و آله نیز در این جهت نیاز داشتند. این دلیل عقلی، روشن و مطابق فطرت عرف و عقلا نیز می‌باشد. ۲. روایاتی که از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و ائمه دوازده گانه علیهم السلام درباره ارجاع امور به علمای جامع شرایط وارد شده، روایاتی است که دلالت دارد بر این که، فقها وظایف پیامبر و امامان را به عهده دارند. نظیر: ۱. امام صادق علیه السلام فرمود: «العلماء ورثة الانبياء» «۱» «علماء و دانشمندان وارث پیامبران می‌باشند.» در روایت دیگر فرمود: «علمای امت هستند.» «۲» ۲. از امام موسی بن جعفر علیه السلام روایت شده است: «مؤمنانی که فقیه هستند همچون دژ اطراف شهرها، دژ محکم اسلام‌اند.» «۳» ۳. امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است: «فقها امینان رسولان الهی هستند تا وقتی که در امور دنیوی پژوهشی درباره خمس، ص: ۳۸ وارد نشده‌اند، به رسول خدا صلی الله علیه و آله عرض شد مقصود از ورود در دنیا چیست؟ فرمود: پیروی از سلطان، هر گاه علما از سلاطین پیروی کنند بر دین خودتان از چنین علمایی بترسید.» «۱» ۴. امام حسین علیه السلام فرمود: «مَجَارِي الْأُمُورِ وَالْأَحْكَامِ عَلَى أَيْدِي الْعُلَمَاءِ بِاللَّهِ الْأَمْنَاءِ عَلَى حَلَالِهِ وَحَرَامِهِ» «۲» «مجرای احکام و امور عامه مردم، در دست علمای الهی است، آن‌ها که امین بر حلال و حرام خدا می‌باشند.» در این باره روایات دیگری وجود دارد که به همین اندازه کفایت است. از این روایات استفاده می‌شود که فقها درباره مسائل عمومی و اساسی امت

اسلامی نظیر: فتوا، قضاوت، صدور حکم بر آغاز و پایان ماه، دریافت وجوه و مالیات شرعی مثل: انفاق، خمس، میراث کسی که وارثی ندارد متعلق به مقام امامت است. روشن است که یکی از وظایف پیامبران، تدبیر امور امت، اعم از فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و نظامی است. زیرا مردم، امانت الهی هستند و پیام‌آوران از سوی خدا، امنای الهی‌اند و امانت خدا را باید به «امین الله» سپرد. بنابراین در این زمان که دست ما به پیامبر صلی الله علیه و آله و امام علیه السلام پژوهشی درباره خمس، ص: ۳۹ نمی‌رسد و از سویی احکام الهی نظیر: خمس به زمان خاصی تعلق ندارد، پس سهم آنان را باید کسانی در دست گیرند. که نزدیک‌ترین افراد به پیامبر و امام باشند. علم، اندیشه، اعتقاد، زهد، شجاعت، بصیرت و تقوای آنان از همه مردم شبیه‌تر به پیامبر و امام است و اگر از عصمت برخوردار نمی‌باشند از حدّ اعلاّی عدالت برخوردارند. بنابراین از تعبیرات: دژهای اسلام، امنای اسلام، وارثان انبیا، امنای پیامبران، در اختیار داشتن مجاری امور و احکام، استفاده می‌شود که در عصر ما حقوق خدا و رسول خدا و امام را به این افراد که جانشین پیامبرند بدهند، تا فقها در راه تقویت فرهنگ دینی و تبلیغ و عزت مسلمانان و مصالح آنان صرف نمایند. امام هادی علیه السلام می‌فرماید: «اگر فقهای باتقوا، مرزبان افکار و عقاید دینی مردم نبودند، شبکه‌های شیطانی مردم را از دین خدا دور می‌کردند و این علما و فقها در عصر غیبت همچون ناخدای کشتی، نگاهبان مسلمانان آسیب‌پذیرند. و این افراد (علما) در نزد خدا با فضیلت‌ترین می‌باشند. «۱» افزون بر آنچه بیان شد چند نکته دیگر ضرورت پرداخت خمس را به فقها روشن می‌کند: ۱. فقهای جامع شرایط درباره مصرف خمس بر اساس حکم خدا و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت آن پژوهشی درباره خمس، ص: ۴۰ حضرت، آگاه‌ترند. ۲. از آنجا که عدالت و دوری از هوس شرط مرجعیت تقلید است از اسراف و تبذیر مصون می‌باشند. ۳. فقها، ضرورت‌ها و نیازهای دینی جامعه را بهتر می‌دانند. ۴. در سیره پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام، خمس به صورت متمرکز جمع‌آوری می‌شده است. رسول خدا صلی الله علیه و آله به عمر بن حزم دستور فرمود: خمس را از مردم أخذ کند. از توصیه‌هایی که به سلمان و ابوذر و مقداد شد این بود که خمس باید نزد حاکم اسلامی فرستاده شود. «۱» و حاکم اسلامی در عصر غیبت فقیه جامع شرایط می‌باشد. ۵. پرداخت مالیات اسلامی به فقها موجب می‌شود، توان و قدرت مالی آنان تقویت شود. روشن است که علما وقتی می‌توانند به این هدف برسند که زمینه‌های مالی و اقتصادی خوبی داشته باشند و گرنه امکان تعلیم و تبیین دین و اجرای آن وجود نخواهد داشت و از سویی اگر علما به حاکمان و سلاطین وابسته باشند هرگز نمی‌توانند در راستای اهداف صحیح اسلام موفق شوند چنان‌که تاریخ حکایتگر این واقعیت است که، هر زمانی که علما وابسته به پژوهشی درباره خمس، ص: ۴۱ حکومت‌ها بوده‌اند دین از رسالت اصلی خود عقب مانده و یا به انحراف کشانده شده است و این مسأله را ما در میان علمای وهابیت بیشتر مشاهده می‌کنیم، زیرا علمای شیعه از قدیم و پس از دوران غیبت با اتکای به سهم امام علیه السلام نیازی به حکومت‌ها نداشته‌اند از این رو همیشه مستقل و گاه در برابر ستم‌ها و جنایات حکام ایستاده و قیام کرده‌اند. اما اگر از نظر مالی وابسته به سلاطین باشند هرگز قدرت مخالفت در برابر جنایات آنان را پیدا نمی‌کنند و این یکی از امتیازات مذهب شیعه است. زیرا برای پیشرفت دین و مذهب هرگز از حکومت‌ها کمک نگرفتند و حتی در حال حاضر که حکومت اسلامی ایجاد شده و ولایت فقیه زمام حکومت را در دست دارند، علما و حوزه‌های علمیه مستقل می‌باشند. اگر امروزه دین و مذهب پایه و اصل یک انقلاب بسیار بزرگ قرار گرفته و اگر در نسل جوان با گرایش به دین و مذهب حرکت عظیم تاریخی را آغاز کرده‌اند، در پرتو فعالیت‌های علما و مراجع تقلید بوده است که با استفاده از امکانات مالی که از جانب مردم پرداخت می‌شده، پدید آمده است در اینجا به خوبی نقش خمس و فلسفه‌ای که باید در اختیار علمای جامع شرایط قرار گیرد، روشن می‌شود. از این رو به طور اختصار در اینجا اشاره می‌کنیم:

**گستره فعالیت فقها**

۱. حفظ حوزه‌ها و مدارس علمیه اگر حوزه‌های علمیه نبود، از دین و مذهب اثری باقی نمی‌ماند، بیش از ده قرن است که حوزه‌های علمیه، دین و مذهب را نگهداری کرده‌اند تا امروز در اختیار ما قرار داده‌اند اگر کمک‌های مردمی از قبیل سهم امام و خمس نبود در حوزه‌های علمیه تربیت علمای بزرگی مانند امام خمینی، شهید مطهری، شهید بهشتی و ... وجود نداشت؟ اگر حوزه‌های علمیه و کمک‌های مردمی نبود، این همه کتب احادیث، تفسیر، کلام، اخلاق و ... در اختیار نسل جدید قرار نمی‌گرفت؟ استقلالی که حوزه‌های علمیه و فقهای شیعه دارند مرهون وجوهات شرعی‌ای است که مردم می‌پردازند. در غیر این صورت مانند فقهای حقوق‌بگیر از دولت که تحت فرمان حاکمان جابر قرار دارند، می‌باشند و مطابق میل حاکمان فتوا می‌دهند. ۲. تبلیغ دین و آیین اسلام رساندن آموزه‌های مکتب اهل بیت علیهم السلام در سراسر جهان از رسالت‌های علما و مجتهدین می‌باشد. اگر در آلمان به وسیله مرحوم آیه‌الله بروجردی مسجدی ساخته می‌شود و یا در سراسر جهان، اماکن و مراکز و مؤسسات دینی ساخته می‌شود نتیجه کمک‌های مردمی می‌باشد. پژوهشی درباره خمس، ص: ۴۳. کمک به محرومین و درماندگان از آنجا که علما در هر منطقه‌ای پایگاه مراجعه مردم در رفع مشکلات مادی و معنوی می‌باشند، در این راستا محرومان و درماندگان مالی برای رفع مشکل خود به علما مراجعه می‌کنند و آنان در صورتی می‌توانند پاسخ گو باشند که امکانات مالی در اختیار داشته باشند از این رو قسمتی از خمس که برای فقرای سادات می‌باشد در اختیار آنان قرار دارد تا برای رفع مشکلات مادی به آن‌ها پرداخت نمایند. خلاصه بحث: از آنچه بیان شد، اشکالات چهارگانه برطرف می‌شود: ۱. این که گفته شده، در روایات دلیلی وجود ندارد که خمس به فقها داده شود، پاسخ آن، این است که در عصری که پیامبر صلی الله علیه و آله یا امام علیه السلام حضور داشته باشند رسالت مالیات اسلامی در اختیار آنان قرار دارد و اما در زمانی که پیامبر صلی الله علیه و آله یا امام علیه السلام حضور ندارند تعطیل کردن احکام اسلامی جایز نیست و بر اساس روایاتی که مرجعیت دینی را علمای جامع شرایط به عهده دارند قهراً سهم امام علیه السلام باید به جانشینان آنان که مراجع تقلید هستند، پرداخت شود تا در پیشرفت دین و مذهب بکار گرفته شود. روشن است که تنها کسی که می‌تواند در جهت مصالح دین و اسلام قدم بردارد علما می‌باشند بنابراین پرداخت سهم امام علیه السلام به علما و مراجع یک امر عقلایی است و اگر در روایتی به صراحت پژوهشی درباره خمس، ص: ۴۴ نیامده است که خمس را به علما پرداخت نمایند، دلیل نمی‌شود که نباید به علما پرداخت نمود. خود مردم تلاش و زحمات طاقت فرسای علما و مراجع تقلید را به خوبی مشاهده می‌کنند. یک عمر در جهت فهم احکام دین تلاش می‌کنند، زندگی آنان ساده و مانند خود مردم می‌باشند، در خانه و دفترشان به روی مردم جهت مراجعه و پاسخ‌گویی باز است، در برابر مشکلات و سختی‌هایی که از جانب حکومت‌ها وارد می‌شود مقاومت می‌کنند، از حقوق مردم دفاع می‌نمایند دلسوز مردم و در مشکلات و سختی‌ها و ناملایمات در کنار مردم و حامی آن‌ها هستند. همه این‌ها بهترین دلیل می‌شود که مردم سهم امام علیه السلام را به علما بدهند و تنها آنان را شایسته پرداخت خمس می‌دانند، نه حکومت‌ها و یا افراد دیگر را. البته علمای وهابی حق دارند که به این تبلیغات پردازند زیرا آنان با گرفتن دلارهای نفتی و همکاری با سلاطین، عزت و شوکت جامعه اسلامی را پایمال و خود را وابسته و در راستای اهداف آنان قرار داده‌اند. افزون بر این، کسانی که بر ما اشکال می‌کنند، از راه دیگری - که زکات است - به علمای خودشان مالیات (زکات) را پرداخت می‌کنند، علمای آنان از سرمایه‌های تجاری زکات می‌گیرند در کدام آیه و یا روایت آمده است که زکات به مال تجارت تعلق می‌گیرد؟ یا این که باید زکات پژوهشی درباره خمس، ص: ۴۵ را به علما بدهید؟ مدارس علمی و امور علمای آنان، از چه راهی تأمین می‌شود؟ آیا علما از مردم زکات نمی‌گیرند؟ اگر علمای شیعه از سود مال تجارت، خمس می‌گیرند علمای آنان عشر و یک دهم می‌گیرند و آن را بر مردم واجب دانسته‌اند اگر بگویند که تعلق زکات را علمای آنان با اجتهاد خودشان از آیات و روایات استنباط کرده‌اند، ما نیز همین پاسخ را می‌دهیم که علمای شیعه با اجتهاد در آیات و روایات زکات را در سود مال تجارت مستحب دانسته اما خمس را واجب می‌دانند، پس اختلاف تنها در نام آن می‌باشد. آری وهابیون وقتی مشاهده می‌کنند جوانان در کشورهای اسلامی گرایش فراوانی به مذهب

شیعه پیدا کرده، و از سویی حزب الله لبنان با رهبری روحانیون شیعه در جهان عرب به عنوان قهرمان معرفی می شود، انقلاب اسلامی ایران در جهان یک حرکت فراگیر دینی و مذهبی ایجاد نموده است، و همه این افتخارات را برخاسته از مدارس و حوزه های علمیه شیعه می دانند، حوزه هایی که از سهم امام تأمین می شود. از این رو فریاد مخالفت سر داده و از پرداخت خمس به علما می نالند و با استفاده از دلارهای نفتی، جزوات و کتاب هایی تهیه می کنند که محتوای آن تخریب و بدجلوه دادن مکتب اهل بیت علیهم السلام و شیعه می باشد، تا شاید بتوانند جلو نفوذ و گسترش مکتب پژوهشی درباره خمس، ص: ۴۶ اهل بیت را بگیرند. و گاه از راه تکفیر و فتوای به قتل آنان و گاه با فتوای به تخریب اماکن مقدسه مثل بقیع، سامرا و ... استفاده می کنند ۲. اما این مطلب که در روایات شیعه آمده است که ائمه علیهم السلام توصیه کرده اند که پیروان آنان از پرداخت خمس معاف می باشند و برای آنان حلال شمرده شده است. پاسخ این است که هر چند در روایات آمده است که در زمان برخی از ائمه علیهم السلام برای شیعیان حلال شمرده است اما این حقیقت به معنای آن نیست که در همه زمان ها و مکان ها حلال می باشد. اگر ما روایات فراوانی که در پرداخت خمس در هر سال وارد شده، نداشتیم و تنها روایات تحلیل بود آنگاه جای طرح مسأله فوق وجود داشت. اما با وجود فراوانی روایات در وجوب خمس، افزون بر پاسخ های قبلی، روایاتی که موافق قرآن و مورد عمل فقها در طول تاریخ بوده، مقدم می شود و روایات تحلیل، زمان و مکان خاصی را شامل می شود نه در همه زمان ها و مکان ها. ۳. با بررسی آیات و روایات روشن می شود که در اسلام صدقه و زکات بر پیامبر خدا و آل او حرام می باشد اما در مقابل، باید نیازهای آنان از راه دیگری تأمین شود، بنابراین اگر تصرف در خمس حلال باشد، نیازهای ضروری اهل بیت و سادات در طول تاریخ از کجا باید پژوهشی درباره خمس، ص: ۴۷ تأمین شود؟ اگر بگوییم خمس منحصر در غنایم جنگی است و یا گفته شود خمس حلال می باشد در این صورت یتیمان، مساکین و در راه ماندگان از سادات و بنی هاشم از چه راهی باید تأمین شوند. تحلیل خمس را می توان زمان حضور امام دانست زیرا خمس در هر زمان به امام آن عصر تعلق دارد و می تواند برای پیروان خود حلال شمرده شود اما نسبت به امام پس از خودشان نمی باشد. افزون بر این برخی از روایات تحلیل خمس در غنایمی نظیر کنیزانی بوده که در جنگ ها به غنیمت گرفته شده و در اختیار پیروانشان قرار داشته است. بدین جهت روشن می شود که روایات تحلیل هرگز دلالت ندارد بر حلیت خمس بردرآمد در تمام عصرها. امید است خوانندگان محترم با مطالعه و نقدهای خود بر غنای مطلب بیافزایند.